

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

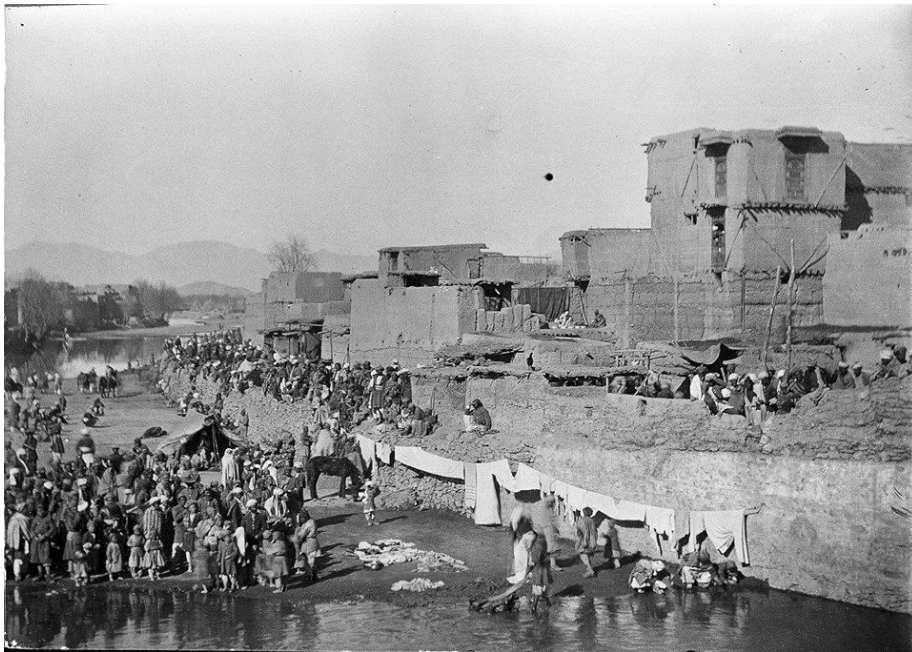
سیاسی

یونس نگاه  
۰۶ می ۲۰۲۴



یونس نگاه

## عکس بازار برده‌فروشی در کابل ۱۸۹۶؟



این عکس را یوناما نشر کرده و در شرحش لباس‌شوئی کنار دریای کابل را برجسته کرده است. به گزارش یوناما عکس را لیلیاس انا همیلتون در سال ۱۸۹۶ گرفته است. سال ۱۸۹۶ اوج حضور مهاجران و بردگان هزاره در کابل بود. خانم همیلتون نیز داستانی درمورد بردگی یک دختر خانزاده هزاره نوشته است. خواستم ببینیم که آیا این عکس با بردگان آن سال‌ها ارتباط دارد یا خیر. بلی، وقتی به جزئیات عکس ببینیم، نشانه‌هایی از یک بازار برده‌فروشی در آن دیده می‌شود.

به نظر می‌رسد عکس در نزدیک پل یک‌پایه‌گی در مرادخانی گرفته شده است. چرا فکر می‌کنم در این عکس تجمع بردگان و برده‌فروشان دیده می‌شود؟

اول) خلاف شرح یوناما موضوع اصلی این عکس و تجمع مردم لباس‌شوئی نیست. جز آن چند جوهره لباس روی تار و شاید دو سه تن نزدیک به آن لباس‌ها دیگران نه لباس، نه تشت و نه سطل با خود دارند. تجمع مردم شبیه یک محل تماشا یا بازار است.

دوم) خیمه‌ای در داخل مسیر دریا دیده می‌شود و به نظر می‌رسد داخل آن یک خانواده یا چند تن نیستند بلکه دروازه‌اش غجومک است و احتمالاً تعداد زیادی آدم زیر آن نشسته‌اند. در آن زمان شهر کابل کوچک بود و زمین‌های باز در اطراف دریا و دورتر از آن فراوان بود. به‌نظر نمی‌رسد کسی آن‌جا را برای زندگی انتخاب کرده باشد. احتمال دارد معامله‌جای یا محل نگهداری موقت تعدادی از بردگان باشد.

سوم) صفی از مردم نزدیک آب خودجوش و تجمع اتفاقی نیست. کودکان و مردان و تعدادی زن آن‌جا مدیریت‌شده ایستاده‌اند. یک کودک با لباس اشرافی دیده می‌شود، باقی کودکان ترسیده، نگران و ژولیده‌پوشند. چهره کودکان صف اول را وقتی به دقت نگاه کنید به کودکان هزاره آن سال‌ها می‌مانند. برخی عکس‌های دیگر از آن سال‌ها مانده است. از پوشش، کلاه و چهره کودکان آشکار است که هزاره‌اند.

چهارم) سمت راست در این صف آدم‌های ایستاده، نزدیک خیمه چند زن ایستاده‌اند و شبیه زنان هزاره چادر پوشیده‌اند. آنان نیز مشغول کار نیستند و به نظر نمی‌رسد در این جمع مردانه به تماشا آمده باشند. از تیاری ایستادن‌شان معلوم است که دستور می‌پذیرند و آن‌جا آورده شده‌اند.

پنجم) تعدادی افراد ریش‌بلند که شاید مالکان یا معامله‌چیان این بردگان پشت سر این افراد به‌چشم می‌خورند. از پشت دیوارهای کنار دریا نیز مردان مشغول تماشای صحنه‌اند.

شاید گفته شود که اینان برای گرفتن عکس این‌جا گردآمده‌اند. ولی تجمع بسیار طبیعی معلوم می‌شود. مردم از روی دیوارها به سمت آن کودکان، مردان و زنان داخل صحنه می‌بینند، نه به سوی کامره.

برداشت من این است که این‌جا محل نگهداری و فروش بردگان دوره عبدالرحمان خان بوده است. مرادخانی و پل یک‌پایه‌گی در آن سال‌ها جای مشهور برده‌فروشی بوده است.

نکته آخری که حدس مرا به یقین می‌رساند نام عکاس است. لیلیاس انا همیلتون نویسنده کتاب دختر وزیر است. او در آن کتاب سرگذشت گل بیگم دختر خانزاده هزاره را در دوران اسارت و بردگی تصویر کرده است. خانم همیلتون در دربار عبدالرحمان خان داکتر و از نزدیک شاهد اتفاقات آن سال‌ها بود.

این عکس و عکس‌های شبیه آن به تاریخ‌نویسان، داستان‌نویسان و سینماگران در شرح اتفاقات آن سال‌ها، ساختن فلم و نوشتن داستان کمک می‌کند. خود این عکس می‌تواند مضمون یک فلم سینمایی آموزنده شود. پوشش مردم، محیط، صحنه، و بازیگران اصلی همه آشکار و دست اول در این عکس دیده می‌شوند.